

نقد کتاب آفرینش در قرآن: بررسی هرمنوتیکی تفاسیر قدیم و جدید

حوریه شجاعی باغینی*

چکیده

تفسیر موضوعی آیات قرآن با تمرکز بر تعداد محدودی از آیات مرتبط با یک موضوع تفسیری است که به ایجاد تصور جامع و فهمی عمیق از موضوعات قرآنی کمک می‌کند. نویسنده کتاب آفرینش در قرآن با استفاده از الگوی روشی تفسیر در مکتب ادبی آیات مربوط به آفرینش را مطالعه و بررسی موضوعی کرده است. او، با بررسی و مقایسه تفاسیر سنتی و مدرن در مواجهه با نظریه‌های کیهان‌شناسی و برای رسیدن به فهمی برخاسته از اقتضات دنیای جدید و نیز گونه‌ای واکنش مؤمنانه به موفقیت‌های علمی، روش مطالعه هرمنوتیکی مؤلف محور در برابر متن محور را بدون پیروی از مکتب خاصی به کار گرفته است. این اثر پژوهشی است که افقی جدید در مباحث تفسیری می‌گشاید؛ از این رو، بررسی هم راه با دیدگاهی نقادانه می‌تواند به اعتلای آن یاری رساند. بر این اساس، در مقاله حاضر، پس از معرفی کلی اثر و ارائه خلاصه‌ای از محتوای آن، علاوه بر تحلیل روش مؤلف به برخی از ویژگی‌های ساختاری و محتوایی، هم‌چنین به جنبه‌های مثبت و منفی آن اشاره و برای رفع کاستی پیش‌نهاداتی ارائه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب، آیات آفرینش، مکتب ادبی تفسیر، هرمنوتیک و قرآن.

۱. مقدمه

در میان شیوه‌های مختلف تفسیر قرآن، روش ترتیبی سابقه‌ای دیرپای در تاریخ تفسیر دارد. در این روش، به‌منظور درک صحیح پیام آیه و فهم کامل مراد خداوند، مفسر معانی و

* دکترای فلسفه و کلام اسلامی، مربی پژوهشگاه فرهنگ، هنر، و ارتباطات، shojaee@ricac.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۲۰

مفاهیم تفصیلی آیات قرآن را یکی پس از دیگری براساس ترتیب کنونی مصحف به صورت پراکنده و بی‌ارتباط با یکدیگر بیان می‌کند. این روش درعین ارزش‌مندی و ضرورت، باتوجه به پراکندگی موضوعی آیات، برای ارائه دیدگاه کلی و استخراج نظریه‌های قرآن درباره موضوع‌های موردابتلای بشر و مسائل متعدد زندگی کافی نیست و به مکمل نیاز دارد.

روش تکمیل‌کننده تفسیر ترتیبی شیوه تفسیر موضوعی است که در عصر حاضر با گرایش به نگاه تخصصی به مسائل و موضوعات در بیش‌تر علوم برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های اساسی و نیازهای جدید به آن روی آورده شده است. در این نوع تفسیر، آیه‌های مربوط به یک موضوع دسته‌بندی و به یکدیگر مرتبط و با دیدی عمیق و همه‌جانبه تجزیه و تحلیل می‌شوند (داودی ۱۳۸۴: ۹۶).

در این زمینه، آفرینش در قرآن: بررسی هرمنوتیکی تفاسیر قدیم و جدید اثری پژوهشی است که با عنایت به تفاسیر ترتیبی قدیم و جدید آیات مربوط به آفرینش را مطالعه و بررسی موضوعی می‌کند.

مؤلف، در بخشی از کتاب که موضوع محور است، از روش توصیفی بهره برده است و درصدد پاسخ‌گویی به این سؤالات است که با فرض وجود گزاره‌های علمی ناظر به پیدایش جهان طبیعت در قرآن مفسران دوره قدیم چگونه آن‌ها را تفسیر کرده‌اند؟ و سؤال دیگر آن‌که ظهور نظریه‌های جدید از قرن هفدهم در سایه شیوه‌های جدید تحقیق در علوم تجربی درباره آفرینش جهان طبیعت چه تأثیری در نظر مفسران در دوره جدید داشته است؟ مؤلف، بعد از تعیین حدود بحث، خواننده را گام به گام پیش می‌برد و در چهار فصل اول نتیجه بررسی‌های خود را برای پاسخ به این دو سؤال ارائه می‌دهد.

سپس، در بخش دیگر که مسئله محور است، از روش تحلیلی استفاده کرده است. ابتدا فرضیه‌ای را در نظر می‌گیرد و به دلیل آن‌که در بررسی مدارک موردنظر این پژوهش شاهدی بر تأیید فرضیه نمی‌یابد، راه‌حل مطالعه به روش هرمنوتیکی را برای یافتن معنای متن قرآن در گزارش آفرینش پیش‌نهاد می‌دهد. هم‌چنین می‌کوشد از این طریق پاسخ سؤالات ذیل را ارائه کند:

معنای به دست آمده را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟ رابطه و نسبت تفسیری این روش با تفسیرهای دیگر چگونه است؟ و درنهایت، مراد اصلی قرآن در بیان آیات مربوط به پدیده‌های طبیعی را چگونه می‌توان فهمید؟

مؤلف آفرینش در قرآن در مقدمه یادآور می‌شود ایده این تحقیق را نخستین بار از نصر حامد ابوزید مصری‌الاصیل، استاد سابق دانشگاه لایدن هلند، فراگرفته است. او، هم‌چون ابوزید، از مبانی «مکتب ادبی در تفسیر قرآن» استفاده می‌کند و به صورت عملی امکان به‌کارگیری روش این مکتب را نشان می‌دهد. ابوزید در کتاب *مفهوم النص علوم قرآنی و مبانی فهم و تفسیر قرآن* را، براساس قرائتی انتقادی از کتاب *الاتقان فی علوم القرآن* از جلال‌الدین سیوطی، با تکیه بر مکتب مذکور و اندیشه تأویلی هرمنوتیکی بررسی می‌کند و درصدد طرح روش صحیح فهم و تفسیر قرآن مطابق با نیازهای دوران جدید و درعین حال سازگار با قواعد زبانی کلام الهی است (ابوزید ۱۳۸۰: ۲۲، ۵۰۴).

۲. معرفی کلی اثر

کتاب آفرینش در قرآن: بررسی هرمنوتیکی تفاسیر قدیم و جدید، تألیف سعید عدالت‌نژاد، در ۲۱۲ صفحه، در قطع رقعی، با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه، و جلد مقوایی از سوی انتشارات مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر نخستین بار در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده و شامل مقدمه، شش فصل، و نتیجه است.

فصل نخست اثر حاضر با عنوان «کلیات» می‌کوشد تا به این پرسش پاسخ دهد که به‌طور کلی سنت تفسیر قرآن در فرهنگ و تمدن اسلامی و به‌طور خاص رویکرد علمی در تفسیر چگونه پیدا شده است و با معرفی روش تفسیر در مکتب ادبی به‌طور اخص آن را به‌مثابه الگوی روشی این مطالعه برمی‌گزیند و آیات مربوط به آفرینش را مطابق با الگوی این مکتب انتخاب، مرتب، و بررسی می‌کند. در این شیوه، با تکیه بر نگاه تاریخی به قرآن بر غیرترتیبی بودن مصحف کنونی و غیرمبوب بودن آن تأکید دارد؛ بنابراین، در فهم هر موضوعی باید مجموعه آیاتی که در همه سوره‌ها وجود دارد لحاظ شود و با ترتیبی جدید کنار هم گذاشته شود. برای چنین کاری باید از مکی و مدنی بودن آیه، قبل و بعد آیات، فاصله زمانی آیات مربوط به یک موضوع، و وضع و حالی که هر آیه در آن نازل شده است آگاهی داشت و ترتیب جدیدی، غیر از ترتیبی که در مصحف کنونی است، برای هر موضوعی در قرآن بنا کرد. ترتیب کنونی قرآن به وحدت موضوع و ترتیب زمانی ملتزم نیست و حتی سخن درباره یک موضوع را در سیاق‌های متعدد با عبارت‌های مشابه به‌کار می‌برد. در این روش، به معنای لغت و ساختار جمله به صورت روش‌مند توجه می‌شود. مراد از روش‌مند آن است که دلالت لفظ بر معنایی خاص باتوجه به پیدایش معنا در آن

بافت و سیاق خاص تعیین می‌شود و نه به صورت مطلق؛ از این رو، مفسر به تغییر تدریجی معانی مختلف یک واژه در طول زمان توجه کامل دارد. مفسر از نگاه مکتب ادبی باید به عوامل فرهنگی تمدن تأثیرگذار و به‌ویژه به نهضت سیاسی فرهنگی (قرن سوم)، که با ترجمه آثار یونانی آغاز شد و پس از این میراث تمدنی بزرگی را پدید آورد و موجب شد لغت و زبان عربی تحولات فراوانی به خود ببیند، توجه کند. مکتب ادبی در سایه علم سمنتیک یا معناشناسی معتقد است بدون در نظر گرفتن فاصله زمانی میان دو معنا یا تغییرات معنایی کلمه امکان دست‌رسی به معنای اصلی کلمه، متن، و نیز نیت مؤلف و از آن جمله قرآن وجود ندارد. اصل اول و مهم مکتب ادبی یافتن معنای الفاظ و جملات قرآن در همان فضایی است که صادر شده است؛ بنابراین به فرهنگ لغت و متونی نیاز دارد که تا آن‌جا که ممکن است به عصر نزول نزدیک باشد. بهترین منبعی که راه‌نمای دلالت‌کننده بر معانی دوره نزول قرآن است همان میراث برجای مانده از دوره قبل از اسلام یعنی اشعار شعرای مشهور و منسوب به دوره جاهلی است. مفسر باید پس از آن‌که معنای لفظ را فهمید به نوع استعمال و کاربرد آن در قرآن نیز توجه کند. مکتب ادبی متون دینی را متونی زبانی و بشری می‌داند و چون زبان نشانه است و در خلأ شکل نمی‌گیرد، نمی‌تواند تاریخی نباشد. یعنی همه مفاهیم و معانی متن، زمان، محل، و بافت تولد دارند. اگر متون دینی زبانی نباشند و قدسی مطلق تلقی شوند، در واقع جمله‌های آن متون دیگر برای مخاطب نشانه نیستند، بلکه بر معنای خاصی دلالت می‌کنند که با سازوکار خاصی قابل فهم‌اند و افراد خاصی هم آن‌ها را می‌فهمند. به این ترتیب از دست‌رس فهم عمومی خارج می‌شوند و چنین تلقی‌ای از قرآن، که هدایت و روشن‌گری عمومی است، نمی‌تواند صحیح باشد. در بخش پایانی این فصل، مفسران مورد نظر در این مطالعه معرفی می‌شوند. این مفسران با توجه به ملاک‌هایی که در ضمن معرفی آنان بیان می‌شود انتخاب شده‌اند: دو مفسر از عالم قدیم (پیش از دوره مدرن) یعنی ابوجعفر محمد بن جریر طبری (۲۲۴-۳۱۰) که تفسیر او به نام جامع البیان عن تأویل آی القرآن از اولین تفسیرهای مکتوب عالم اسلام است و از اقوال فراوان تفسیری پیش از خود استفاده کرده است و ابوعبدالله محمد بن عمر بن حسین بکری طبرستانی رازی معروف به فخرالدین رازی (۵۴۳-۶۰۶) که تفسیرش با عنوان التفسیر الکبیر یا مفاتیح الغیب از مشهورترین تفاسیر متعلق به گروه مفسران عقل‌گراست؛ دو مفسر از عالم جدید یعنی طنطاوی بن جوهری (۱۲۷۸-۱۳۵۸) از اولین کسانی که قرآن را براساس علم جدید تفسیر می‌کند و تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن از اوست و سیدمحمدحسین طباطبایی (۱۳۲۱-۱۴۰۲) که نام تفسیرش المیزان فی تفسیر القرآن است (عدالت‌نژاد ۱۳۹۲: ۱۱-۳۶).

«آفرینش جهان از دیدگاه قرآن» عنوان فصل دوم است. در این فصل، روش انتخاب آیات بیان می‌شود. از بین تمام آیات در باب پدیده‌های طبیعی فقط به آیات مربوط به آفرینش جهان، شامل خلق آسمان‌ها و زمین در شش روز و ارتباط آن‌ها با عرش و کرسی، پرداخته می‌شود که با دو تخصیص قلمرو بحث در ۳۵ آیه محدود می‌شود. این آیات به لحاظ محتوایی در سه طبقه «آفرینش در قرآن»، «نسبت آفرینش آسمان‌ها با عرش و کرسی»، و «آفرینش آسمان و زمین» فهرست می‌شوند. هر طبقه با توجه به الگویی که در فصل قبل معرفی شد با رویکرد تاریخی به ترتیب احتمالی نزول آن‌ها، بدون اتکا به تفسیری خاص، دسته‌بندی می‌شوند و به تفصیل در سه بخش پایانی این فصل آگاهی‌ای از محتوای آنان ارائه می‌شود. مبنای یافتن ترتیب آیات مقدمه کتاب *المبانی فی نظم المعانی*، قدیم‌ترین منبع از نویسندگان مجهول‌الهویه در ابتدای قرن پنجم هجری، است که تقویمی از تاریخ نزول آیات و سوره‌های قرآن در اختیار قرار می‌دهد. مؤلف ترتیب بیان شده را پیش‌نهادی، ظنی، و براساس قرائن موجود می‌داند که ممکن است با یافتن شواهد دیگر تغییر یابد. منطق و سیر تاریخی به دست آمده در ترتیب آیات مذکور در فصل‌های سوم، چهارم، و ششم حفظ و استفاده شده است. چگونگی مواجهه مفسران در دوره‌های مختلف با مجموعه اطلاعات به دست آمده از آیات سه بخش پایانی این فصل سؤالی است که مؤلف در صدد بیان آن در دو فصل آتی است (همان: ۳۷-۴۶).

فصل سوم کتاب «تفسیر آفرینش در دوره قدیم» نام دارد. در این فصل، آیات آفرینش از نظر طبری در دو بخش و از نظر فخرالدین رازی در سه بخش بررسی شده است. ضمن ارائه گزارش، به رویکرد تفسیری دو مفسر قدیم نیز توجه می‌شود. تفسیر طبری رویکرد روایی و تفسیر رازی رویکرد عقل‌گرایانه دارد (همان: ۴۷-۸۲).

فصل چهارم نگاهی به تفسیر آفرینش در دوره مدرن دارد؛ در این فصل سعی می‌شود، با بررسی آرای دو مفسر این دوره، هرکدام در دو بخش، میزان تأثیر آشنایی علمای دینی از نظریه‌ها و پیشرفت‌های فوق‌العاده کیهان‌شناسی علمی در تفسیر آیات آفرینش نشان داده شود. هم‌چنین به چگونگی مواجهه آنان با سنت تفسیری سابق بر خود در مسئله آفرینش نیز دقت می‌شود (همان: ۸۳-۱۲۷).

داستان آفرینش در فرهنگ مردم پیش از قرآن موضوع فصل پنجم است و مؤلف در پانزده صفحه به این موضوع می‌پردازد. مؤلف با مروری اجمالی درباره تصویر آفرینش در فرهنگ مردم قبل از قرآن، از طریق اسطوره‌های سومریان، بابلیان، ایرانیان، و عبریان

دیدگاه‌های رایج را بیان می‌کند و نیز وجود اسطوره‌های آفرینش را با تغییراتی در شبه‌جزیره عربستان قبل از ظهور اسلام توضیح می‌دهد و درصدد حصول این نتیجه است که در درون این داستان در فرهنگ‌های مختلف تغییراتی ایجاد شده است، ضمن آن‌که وجه مشترک تمام روایات را نیز متذکر می‌شود (همان: ۱۲۹-۱۴۳).

صفحات ۱۴۵ تا ۱۸۰ کتاب حاضر مربوط به فصل ششم با عنوان «مطالعه هرمنوتیکی» است. ابتدا نکاتی در مورد معرفی و پیش‌فرض‌های این روش بیان شده است؛ سپس این روش مطالعه با هدف دستیابی به معنای اصلی متن با تأکید بر نیت نویسنده و نسبت تفسیرهای مختلف با یکدیگر، به مثابه راه‌حل دیگری برای تفسیر آیات ناظر به پدیده‌های طبیعی به ویژه آفرینش جهان، معرفی شده است، تفسیری که بر فرض قبول آن مسلمان معتقد و مؤمن به قرآن بتواند تناقض‌های ذهنی خود را با داده‌های جدید علوم حل کند. نگرش کلی در این مطالعه روش هرمنوتیکی مؤلف محور در برابر متن محور بدون پیروی از مکتب خاصی است.

مؤلف در یازده صفحه پایانی اثر درصدد نتیجه‌گیری از مباحث کتاب است. ابتدا ارزیابی اجمالی از کار مفسران دو دوره قدیم و جدید ارائه می‌دهد. طبری، در مقام اولین گردآورنده روایات تفسیری، تلاش کرد تمام اطلاعات موجود در دوران نزول قرآن، صحابه، و تابعین را تا ابتدای قرن چهارم درباره داستان آفرینش جمع‌آوری و به عرصه تفسیر وارد کند. سه قرن بعد، در برابر این مطالب منقول طبری، رازی از طبقه عقل‌گرا آن‌ها را نقد کرد و کوشید چنین مطالبی را با عنوان «اسرائیلیات» به معنای منفی کلمه وارد کند. او، با رویکردی دفاعی - کلامی، در مقابل مشکلاتی که در تفسیر آیات پیدا می‌شد، در موارد بسیاری اطلاعات خود را ناقص دانست و آن‌ها را به علم الهی احاله کرد و هدف از یادآوری داستان آفرینش و پدیده‌های طبیعی در قرآن را تقویت ایمان اعلام کرد. او هم‌چنین سعی کرد آیات قرآن را محکوم نظریه بطلمیوسی در کیهان‌شناسی نکند و بر دیدگاه عقلی - کلامی خود، که انتقادی نیز بود، پافشاری کند. با شروع دوره جدید و پیدایش نظریه‌های علمی نو، دو گونه واکنش بارز از سوی مفسران مسلمان در برابر این نظریه‌ها پدیدار شد. در واکنش نخست، مفسر به نمایندگی طباطبایی، با وجود زندگی در دوره مدرن برای فهم قرآن از دانش تجربی و کیهان‌شناسی علمی استفاده زیادی نکرد و به همان روش سنتی رایج در حوزه‌های علمیه اکتفا کرد. او برای فهم آیات به پیام‌های اصلی قرآن توجه و بر داده‌های قرآنی، که از ظاهر الفاظ برداشت می‌شد، تأکید کرد. با روش او هیچ تفاوتی نمی‌کند که مفسر در چه دوره‌ای زندگی کند. شاید تأثیر دوره مدرن

بر او در این اندازه خلاصه شود که با منقولات طبری نمی‌توان تفسیر موجهی برای مخاطبان امروزی قرآن نوشت؛ بنابراین، به آن‌ها بی‌اعتنا شد. در واکنش دوم به نمایندگی طنطاوی، مفسر با دغدغه هماهنگی علم و دین در صدد سازگاری آیات آفرینش با آخرین نظریه‌های کیهان‌شناسی برمی‌آمد و به گونه‌ای تکلف‌آمیز می‌کوشید آن‌ها را بر یک‌دیگر تطبیق کند. طنطاوی نیز متوجه بود که باید به منقولات طبری بی‌اعتنا باشد. حاصل کار مفسران دوره مدرن گونه‌ای نگاه به دین به نظر می‌رسد که در صدد است در مناسبات علمی به هر قیمت دین را در صدر بنشانند، فارغ از این که این نگاه سرانجام به نفع دین و دین‌داران است یا خیر (همان: ۱۸۱-۱۹۱).

مؤلف پیش‌نهاد به‌کارگیری روش مطالعه هرمنوتیکی در تفسیر و فهم آیات آفرینش را برخاسته از اقتضائات دنیای جدید و نیز گونه‌ای واکنش مؤمنانه به موفقیت‌های علمی می‌داند.

۳. بررسی شکلی

۱.۳ امتیازها

عنوان کتاب گویا و کیفیت چاپ این اثر از جهت حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، و صحافی مناسب است و قواعد عمومی نگارش و ویرایش در کل اثر به‌غیر از چند مورد جزئی به‌خوبی رعایت شده است. وجود مؤلفه‌های صوری مانند مقدمه، فهرست مطالب، فهرست منابع، و نمایه از نقاط قوت این مجموعه است. رعایت احترام و بی‌طرفی در مواجهه با عقاید دیگران در کل اثر به‌خوبی بارز است.

تنظیم نمایه کتاب، به‌گونه‌ی نمایه موضوعی، از نقاط قوت این پژوهش است. در این نمایه‌سازی، محقق با تحلیل موضوعی واژه یا عبارتی را در قالب سرعنوان قرار داده و ریزموضوعات مرتبط با حوزه سرعنوان را در ذیل آن جای داده است. این نمایه به خواننده و کاربران این امکان را می‌دهد که موضوع موردنظر خود را به‌صورت تخصصی بازیابی کنند. مثلاً، ذیل سرعنوان «آفرینش»، ریزموضوعاتی چون آب، آسمان، انسان، ترتیب اول در عهد عتیق، و ... قرار گرفته است. یا در مثال دیگر اعلامی مانند ابن عباس، طباطبایی، طبری، طنطاوی، و رازی سرعنوان‌اند و ذیل هرکدام موضوعاتی است که به آن پرداخته‌اند؛ به این صورت به کاربر این اجازه داده می‌شود تا باتوجه‌به موضوع خود در کم‌ترین زمان به مطلب موردنظرش از دیدگاه هرکدام از افراد مذکور راه‌نمایی شود.

۲.۳ کاستی‌ها

جلد اثر طرحی با سه خط منحنی به رنگ‌های قرمز، آبی، و سبز در زمینه سیاه با پس‌زمینه کتیبه قرآنی دارد. این طرح در ذیل عنوان کتاب آمده است که تناسب واضحی با عنوان آفرینش ندارد و فقط از پس زمینه آن می‌توان برداشت کرد که موضوع درباره قرآن است. عنوان اثر در دو خط به نگارش درآمده است که بخش اول آن (آفرینش در قرآن) با رنگ سفید و با فونت بزرگ‌تر و بخش دوم آن (بررسی هرمنوتیکی تفاسیر قدیم و جدید) با رنگ آبی با نوع خط متفاوت از بخش اول و فونت کوچک‌تر است. در پایین طرح جلد، نام نویسنده با رنگ سفید درج شده است. پشت جلد اثر فاقد هرگونه متن و تصویر است و جز لوگوی انتشارات و مشخصات آن متن دیگری وجود ندارد. نیابردن معرفی و هدف کتاب در پشت جلد را می‌توان از کاستی‌های آن برشمرد.

در صفحه ۲۰، عنوان دو کتاب برای مثال آورده شده است، ولی اطلاعات کتاب‌شناختی آن‌ها نیامده است.

در صفحه ۳۴، در معرفی طنطاوی، ابتدا تاریخ ولادت قمری و میلادی و بعد تاریخ وفات، بدون ذکر قمری یا میلادی بودن آن، به این شکل (۱۹۴۰/۱۳۵۸-۱۸۶۲/۱۲۷۸) آمده است و در صفحه ۳۵، در معرفی طباطبایی، ابتدا تاریخ ولادت و وفات شمسی و بعد قمری به این شکل (۱۴۰۲-۱۳۲۱/۱۳۶۰-۱۲۸۱) آمده است که بهتر است هماهنگ شود.

۴. بررسی محتوایی

۱.۴ امتیازها

از ویژگی‌های این کتاب می‌توان به قدرت و تسلط نویسنده در بیان مطالب ارائه‌شده به‌زبانی واضح و روان، به‌ویژه در بخش هرمنوتیک الهیاتی، اشاره کرد؛ چراکه باوجود معانی و اصطلاحات پیچیده در روش هرمنوتیک مؤلف توانسته است به‌زبانی ساده مخاطب را با این مفاهیم آشنا کند و این ادعا را می‌توان در مقایسه با متون مشابه هم‌چون نظریه تفسیر متن (واعظی ۱۳۹۰) و درآمده بر هرمنوتیک (واعظی ۱۳۸۷) تأیید کرد.

هم‌چنین استناد نویسنده به تحقیقات روزآمد از نقاط قوت این مجموعه است. درج زیرنویس‌ها، معادل‌های انگلیسی، اصطلاحات و نام‌ها، و ترجمه جملات و آیات در انتهای هر صفحه درخور تقدیر است؛ خود مؤلف آیات را در تمام کتاب ترجمه کرده است. معرفی

کتاب یا مقالاتی برای مطالعه بیشتر تر مخاطب در بسیاری از موضوعات به چشم می‌آید که از جامعیت علمی ایشان و آشنایی با تحقیقات روز حکایت دارد.

۲.۴ کاستی‌ها

در بررسی محتوایی اثر کاستی‌هایی در نظم منطقی و انسجام مطالب، هم در کل اثر و هم در درون هر فصل به چشم می‌خورد که تفصیل آن به شرح ذیل است:

۱.۲.۴ نظم منطقی و انسجام مطالب در کل اثر

از نظر رعایت نظم منطقی و انسجام بین فصل‌های کتاب، ساختار کتاب تا فصل چهارم از تسلسل بیش‌تری برخوردار است. از آن فصل به بعد، اگرچه ارتباطی بین فصول وجود دارد، گویی نویسنده فهم ضمنی آن را به‌عهده خواننده گذاشته است و چنانچه وی حوصله به‌خرج دهد و کتاب را به انتها برساند و درعین حال فردی تیزبین باشد، می‌تواند منطبق و استدلال پژوهش را از فحوای کل اثر دریابد و سیر پژوهش را در ذهن صورت‌بندی کند. درواقع، حلقه وصل‌کننده فصل‌های پنجم و ششم به چهار فصل قبل واضح و روشن نیست و تاحدی به تسلسل مطالب خدشه وارد می‌کند، با این توضیح که مؤلف طی چهار فصل اول توانسته است به دو سؤال توصیفی تحقیق پاسخ گوید و خواننده انتظار دارد ارزیابی اجمالی نویسنده از دو فصل سوم و چهارم مربوط به مفسران دو دوره قدیم و جدید را بداند (این ارزیابی در بخش آخر کتاب یعنی نتیجه‌گیری آورده شده است) و از آن‌جا در مواجهه با سؤالی دیگر آماده ورود به بحث پیش‌نهاد راه‌حل شود، درحالی‌که بدون ارزیابی بحث‌های گذشته به فصل پنجم وارد می‌شود و با تأکید بر پاره‌ای تحقیقات جدید باستان‌شناسی و اسطوره‌شناسی درصدد نشان‌دادن تفاوت دو تصویر از آفرینش قبل و بعد از ظهور اسلام برمی‌آید. ارائه اطلاعات مستند و مرتبط با موضوع درباره اسطوره‌ها، به‌خصوص اسطوره آفرینش در شبه‌جزیره عربستان، مقدمه‌ای است برای ایجاد انگیزه یا سؤال در ذهن خواننده که «پس مراد شارع از بیان اطلاعات عرفی درباره آفرینش در قرآن چیست؟» ولی این سؤال به‌وضوح بیان نمی‌شود و بنابراین، تسلسل لازم نیز برقرار نمی‌شود و خواننده این فصل را بی‌ارتباط با قبل و بعد خود درمی‌یابد؛ به‌ویژه این که فصل ششم با سؤالی آغاز می‌شود که هنوز خواننده دغدغه یافتن آن را ندارد. البته درک این ارتباط درحین مطالعه فصل آخر حاصل می‌شود.

- می‌توان سیر پژوهش کتاب را این‌گونه خلاصه و صورت‌بندی کرد:
- مفسران دوره قدیم و جدید کم‌وبیش مطابق دانش و چهارچوب فکری روزگار خویش با رویکردی اعتقادی یا کلامی درصدد تفسیر متن قرآن و حل تناقض‌های ظاهری بین داده آیات برآمدند (نتیجه فصل‌های اول تا چهارم)؛
 - بعضی از اطلاعات درباره داستان آفرینش در قرآن با تغییراتی در منابع دیگر مانند کتاب‌های مقدس ادیان زرتشتی، یهودی، و مسیحی و در ذهن و ضمیر عادی منطقه حجاز، شام، بابل، و مصر وجود داشت (نتیجه فصل پنجم)؛
 - پس مراد شارع از بیان اطلاعات عرفی درباره آفرینش در قرآن چیست؟ سؤالی که بهتر بود برای ایجاد تسلسل و نظم منطقی در آخر فصل پنجم یا ابتدای فصل ششم می‌آمد؛
 - فرضیه‌ای برای مراد شارع درباره آیات آفرینش در نظر گرفته می‌شود (فصل ششم صفحه ۱۵۷)؛
 - مدارک موردنظر این پژوهش بررسی می‌شود (فصل‌های اول تا چهارم) و شاهی برای تأیید فرضیه یافت نمی‌شود؛
 - روش تفسیری هرمنوتیک درمقابل روش سنتی تفسیر برای فهم مراد شارع و تأیید فرضیه پیش‌نهاد می‌شود (فصل ششم)؛
 - باتوجه‌به روش پیش‌نهادی، آیات مربوط به آفرینش مطالعه می‌شود و شواهدی برای تأیید فرضیه موردنظر یافت می‌شود که در هیچ‌یک از تفسیرهای سابق به آن‌ها توجه نشده بود (فصل ششم).

۲.۲.۴ نظم منطقی و انسجام مطالب در درون هر فصل

در بخش سوم از فصل اول، اساس تقدم و تأخر دوره زندگی مفسران برای معرفی آنان در این مطالعه لحاظ شده است، درحالی‌که در فصل چهارم، مربوط به مفسران مدرن، این مبنا رعایت نشده است؛ یعنی ابتدا آرای طباطبایی و بعد آرای طنطاوی بررسی می‌شود. در بخش اول از فصل دوم، پس از بیان روش انتخاب آیات آفرینش، ۳۵ آیه انتخاب و در سه طبقه فهرست می‌شوند و در سه بخش بعدی این فصل، آیات هر طبقه به‌ترتیب احتمالی نزول آن‌ها بررسی می‌شوند. این صفحات جزء مهم‌ترین صفحات کتاب به‌شمار می‌آیند؛ چراکه در جای‌جای کتاب ترتیب براساس این الگو در رجوع به آرای مفسران

قدیم و جدید در فصل های سوم، چهارم، و ششم یادآوری شده است؛ بنابراین، رعایت این مدل در بخش های زیرمجموعه آن فصل ها نظم منطقی در درون هر فصل را ترسیم می کند و این درحالی است که تبعیت بخش های این فصل براساس طبقه بندی اولیه رعایت نشده است. در فصل سوم، در بیان آرای طبری فقط دو بخش مربوط به دو طبقه از آیات بررسی شده است و بخش مربوط به نسبت آفرینش آسمان ها با عرش و کرسی اشاره نشده است. در بیان آرای فخرالدین رازی هر سه طبقه در سه بخش مجزا بررسی شده است، اما ترتیب مذکور در فصل دوم رعایت نشده است. هم چنین، در فصل چهارم در بررسی آرای طباطبایی و طنطاوی فقط به دو بخش مربوط به دو طبقه از آیات اشاره شده است و بخش مربوط به آیات آفرینش آسمان و زمین مغفول مانده است. رعایت نکردن الگوی طبقات سه گانه در بخش های زیرمجموعه فصل های سوم و چهارم باعث خلط بررسی آیات یک دسته در دسته دیگر شده است و باوجود تأکید فراوان بر رعایت ترتیب پیش نهادی نزول آیات در این مطالعه، ملاحظه می شود مؤلف نتوانسته است ملتزم به رعایت ترتیب شود. مثلاً، در بررسی آرای طبری آیات مربوط به طبقه «نسبت آفرینش آسمان ها با عرش و کرسی» ذیل طبقه «آفرینش» و در بررسی آرای طباطبایی و طنطاوی آیات دسته «آفرینش آسمان و زمین» ذیل دسته «آفرینش» آورده شده است. البته درمورد طنطاوی این نکته شایان ذکر است که از آیات طبقه «آفرینش آسمان و زمین» فقط آیه ۳۰ سوره انبیا بررسی شده است؛ چراکه نویسنده در صفحه ۱۰۸، ضمن بیان روش تفسیری طنطاوی، به این نکته اشاره می کند که وی درباره بعضی آیات ذیل عنوان «لطیفه» نکاتی را تفصیل می دهد؛ بنابراین، تفسیر بسیاری از آیات وجود ندارد، ولی به صورت پراکنده ذیل «پاره ای از آیات» همه مطالب خود را بیان کرده است. با این توضیح بررسی نکردن تمام ۳۵ آیه مورد بحث در این مطالعه از نظر طنطاوی پذیرفتنی است؛ بنابراین، در صفحه ۱۲۴ درمورد آیات مربوط به نسبت آسمان ها و زمین با عرش و کرسی، بدون ذکر آیات مکی، از ابتدا به آیه مدنی یعنی آیه ۲۵۵ سوره بقره اشاره می کند.

در شیوه بیان ملاک انتخاب مفسران و روش تفسیری آنان در فصل اول، سوم، و چهارم ناهماهنگی به چشم می آید که باعث می شود نظم منطقی مطالب حفظ نشود. با این توضیح که در بخش سوم از فصل اول ملاک انتخاب مفسران مورد نظر در این مطالعه ضمن معرفی آنان اعلام شده است، اما درمورد طباطبایی (صفحه ۳۵)، به جای اعلام ملاک انتخاب، روش تفسیری ایشان بیان شده است. این درحالی است که در فصل سوم و چهارم، که تفسیر آفرینش از نظر مفسران دو دوره بیان می شود، قبل از شروع آرای مفسران مختصری از روش

تفسیری آنان ذکر می‌کند، ولی در مورد طباطبایی (صفحه ۸۴) به جای بیان روش تفسیری ملاک انتخاب وی مشاهده می‌شود.

۳.۲.۴ موارد دیگر محتوایی

در صفحه ۳۹، تعداد آیات داخل در قلمرو بحث را ۳۵ آیه برمی‌شمارد، حال آن‌که در پانوشت این صفحه آدرس ۳۳ آیه فهرست شده است و در معرفی تفصیلی نیز با وجود تفاوت‌هایی با این پانوشت همین تعداد آیه ذکر می‌شود. این ناهماهنگی در تعداد آیات به دلیل اختلاف در محل قطع آیات در سوره فصلت است که مؤلف به آن توجه داشته‌اند، اما شایسته بود به خواننده نیز دقت به این نکته را توجه می‌دادند. هم‌چنین، در معرفی آیات یک‌سان عمل نشده است، هم از نظر مشخص‌نکردن مکی یا مدنی بودن تمام آیات و هم از نظر معرفی محتوای آیات؛ یعنی گاهی آیه با آدرس و معنا در متن آمده است، گاهی فقط ترجمه آیه و آدرس در متن ذکر شده است و متن عربی آن در پانوشت آمده است، و گاهی فقط آن بخش از آیه که اطلاع مهمی در بردارد، بدون ذکر کل آیه یا ترجمه آن، آمده است.

در صفحه ۱۷۸، صفت «فرهیخته» به معنی دانش‌آموخته یکی از صفات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر شمرده شده است و استفاده از این وصف با اعتقاد به امی بودن ایشان تناسبی ندارد.

در صفحه ۱۸۶، سه نکته ابتدایی ذیل عنوان «نتایج مطالعه قرآن با روش هرمنوتیک» به نظر می‌رسد، بیش‌تر از آن‌که نتیجه مطالعه با روش هرمنوتیک باشد، مربوط به مقدمات استفاده از این روش است و بهتر است در فصل ششم گنجانده شود.

۵. نتیجه‌گیری و پیش‌نهادها

یکی از بارزترین ویژگی‌های کتاب حاضر گشودن افقی نو برای علاقه‌مندان به مباحث تفسیری است. از نتایج این ویژگی این است که علاقه‌مندان با مطالعه این کتاب می‌توانند از روش به کاررفته در آن ایده بگیرند و در پرتو دانش‌های جدید موضوعات فراوان قرآنی را در زمینه‌های مختلف اخلاقی، اجتماعی، آموزشی، و فقهی بررسی مجدد کنند و برای دست‌یافتن به مراد اصلی قرآن تلاش کنند. در واقع، نویسنده، با اتکا بر روش سنتی شلایرماخر، در فهم و تفسیر آیات آفرینش عملاً آن را به کار برده است و برخلاف برخی متفکران، فقط به بیان نظریه و کلیاتی در باب امکان به کارگیری روش هرمنوتیک بسنده

نکرده است. برای نمونه کتابی هم چون هرمنوتیک، کتاب، و سنت اصل کلی هرمنوتیک یعنی «ابتنای تفسیر و فهم متون بر پیش فهم ها، علایق، و انتظارات مفسر» را شامل تمام تفسیر مفسران دانسته است و تکامل دانش دین را منوط به بازنگری براساس تنقیح پیش فهم ها و علایق مفسران کرده است (مجتهد شبستری ۱۳۸۴: ۸-۹)، اما مؤلف آفرینش در قرآن به صورت عملی، با تمرکز بر موضوع آیات آفرینش، تأثیر همین پیش فهم ها در تفسیر مفسران دو دوره را بررسی و بازنگری و تنقیح کرده است.

همچنین آنچه این اثر را برای خواننده متمایز می کند دست یابی به نتیجه ای است که بعد از مطالعه و بررسی لابه لای بحث های تفسیری به شیوه پیش نهادی مؤلف حاصل می شود. به گفته نویسنده، برخی خوانندگان آشنا با علوم جدید بر این باورند که میان این داده ها و آنچه در قرآن یافت می شود ناهماهنگی وجود دارد. آن ها هم چنان مایل اند مؤمن باقی بمانند و دغدغه هماهنگی ایمان خود با نظریه های علمی در باب آفرینش آسمان ها و زمین را دارند، اما از تفسیرهای گذشتگان درباره آفرینش راضی نمی شوند. نتیجه به دست آمده این است که ایمان مؤمن دیگر به داده های علمی قرآنی گره نمی خورد تا در صورت تردید در یکی از آن ها در اصل ایمان توحیدی او تردیدی به وجود آید، بلکه با پذیرفتن این اصل که قرآن با تکیه بر معلومات عرفی و آشنای مخاطبان مراد اصلی خود را بیان کرده است به دنبال آن مراد می رود و شاید مهم ترین جنبه اعجاز قرآن موفقیت در بیان نظری و تحقق عملی همان مراد باشد.

در این قسمت، برای رفع برخی کاستی ها پیش نهادهایی به شرح ذیل ارائه می شود: چنانچه ترتیب فصول براساس سیر تاریخی تنظیم شود، به این صورت که بعد از بحث درباره کلیات ابتدا فصل «داستان آفرینش در فرهنگ مردم پیش از قرآن» بیاید، سپس آیات در باب پدیده های طبیعی معرفی شود و در پایان این دو فصل، ضمن ارزیابی آن ها، تفاوت دو تصویر از آفرینش قبل و بعد از ظهور اسلام بیان شود، اشکال انسجام بین فصول برطرف می شود؛ چراکه ترتیب بقیه فصل های کتاب به همان شکل مناسب است و براساس این ترتیب مثلاً در صفحه ۵۸ و ۱۲۳ دیگر به ذکر «تفصیل مطلب در فصل پنجم اشاره خواهد شد» نیاز نیست، زیرا پیش تر متذکر آن شده است.

از آنجاکه ترتیب احتمالی نزول آیات در صفحات ۳۹ تا ۴۶ مینا در رجوع به آرای مفسران قدیم و جدید قرار گرفته و مؤلف بنا را بر حفظ این ترتیب گذاشته است، خواننده نیاز دارد برای ملاحظه تمام آیه یا طبقه ای که آیه مورد بحث در آن قرار دارد بارها به این

صفحات بازگردد؛ بنابراین، درج نمودار یا جدولی در قسمت پایانی این فصل شامل متن، آدرس، ترجمه، و مکی یا مدنی بودن آیه، همراه با تعیین طبقه‌های سه‌گانه موردنظر نویسنده، همراهی با محتوای اثر را راحت‌تر می‌کند.

ارجاع به آدرس آیات هماهنگ نیست؛ برخی موارد در پانویشت و در موارد دیگر در متن کتاب بعد از متن آیه ذکر شده است؛ بنابراین، یک‌دست‌شدن ارجاع در کل اثر ضروری به نظر می‌رسد. در ضمن، در بعضی صفحات (مثلاً ۱۰۶، ۱۱۸، و ۱۶۵) آیه‌ای متناسب بحث درج شده است که جزء ۳۵ آیه موردبررسی این مطالعه نیستند، اما آدرس آن‌ها ذکر نشده است. همچنین در مورد آوردن ترجمه آیات به یک نحو عمل نشده است؛ گاهی بعد از متن آیه و گاهی در پانویشت آورده شده است یا ترجمه در متن کتاب آمده و آیه در پانویشت ذکر شده است.

تفکیک نمایه آثار و اشخاص از اصطلاحات می‌تواند استفاده از نمایه را تسهیل کند. ضمن آن که درج نمایه آیات با توجه به موضوع و استفاده زیاد از آیات در این مطالعه ضروری به نظر می‌رسد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

ابوزید، نصر حامد (۱۳۸۰)، معنای متن، تهران: طرح نو.

احمدی، بابک (۱۳۹۰)، ساختار و تأویل متن، تهران: مرکز.

داودی، محمدرضا (۱۳۸۴)، «مزایای تفسیر موضوعی قرآن کریم»، معرفت، ش ۹۶.

عدالت‌نژاد، سعید (۱۳۹۲)، آفرینش در قرآن: بررسی هرمنوتیکی تفاسیر قدیم و جدید، تهران: نگاه معاصر.

مجتهد شبستری، محمد (۱۳۸۴)، هرمنوتیک، کتاب، و سنت، تهران: طرح نو.

واعظی، احمد (۱۳۷۸)، درآمدی بر هرمنوتیک، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

واعظی، احمد (۱۳۹۰)، نظریه تفسیر متن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.